

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش از نظر سیاسی بی‌ضرر

کم‌دی، زبان برنده و



مریم عظیمی
گفت‌وگو
در روزهای برگزاری نمایشگاه رسانه‌های ایران، گروه نمایش «از نظر سیاسی بی‌ضرر» در غرفه مجموعه رسانه‌های صبا حاضر شدند و نشست رسانه‌ای این نمایش با حضور ابراهیم پشت‌کوهی کارگردان و همکارانش در این نمایش که این روزها در تماشاخانه ایرانشهر به روی صحنه می‌رود، برگزار شد. در ادامه بخش‌هایی از گفت‌وگوی خبرنگار صبا با این گروه نمایشی را می‌خوانید و متن کامل گفت‌وگو با همه عوامل در فرصتی مقتضی در خبرگزاری صبا منتشر خواهد شد.

ابراهیم پشت‌کوهی:

اثر خوب باید تا وقتی که مخاطب دارد اجرا برود

آشنایی شما با این رمان و نویسنده چطور شکل گرفت و چه تغییری روی متن انجام شد؟

از آنجایی که زیاد رمان می‌خوانم اگر رمان یا داستانی نظرم را به خود جلب کند به آن می‌پردازم. تا جایی که به یاد دارم اولین بار آقای احمد رضا حجاززاده این کتاب را به من معرفی کردند. وقتی رمان مامور مرگ‌های غیر اتفاقی را خواندم به شدت از آن خوشم آمد و با نویسنده‌اش آقای حسام حیدری تماس گرفتم. مرحله بعد دراماتوزی اثر و تبدیل آن از رمان به نمایشنامه بود و بعد هم با نشر چشمه صحبت کردم و امتیاز اجرای آن را برای مدت مشخصی گرفتم. در طول تمرینات بنا به ضرورت اجرا بارها متن تغییر کرد و بازنویسی‌های مکرری انجام شد و گاتا عابدی علاوه بر اینکه به عنوان بازیگر در این اثر حضور دارد به عنوان یک ذهن تصویرگرا و منطبق بر اجرا برای این بازنویسی‌ها تار سیدن به این شکل و نسخه که اکنون به اجرا رسیده است همراهی کرد.

طراحی لباس‌ها از لحاظ رنگ و فرم و ویژگی‌های فانتزی و رئالیستی متناسب با شخصیت‌ها دارند در این مورد بگویید.

طراحی لباس‌های این اثر را به صورت مشترک با گاتا عابدی انجام دادیم. در مورد آن بسیار صحبت کردیم و طراحی‌های زیادی وجود داشت تا اینکه به این نتیجه رسیدیم که کفش تمام شخصیت‌ها قرمز باشد به غیر از زینال و غزاله که کفش‌های سفیدی دارند و مفهوم این انتخاب در خود اثر هست و لباس‌ها نیز در مرز بین فانتزی و رئالیستی قرار بگیرند یعنی نه کاملاً رئالیستی باشه و نه کاملاً فانتزی. خط باریکی در این میان بود تا به ما کمک کند کم‌کم وارد آن فضای فانتزی شویم. همانطور که می‌خائیل باختین اشاره می‌کند که در مقوله کارناوالسک یا همان کارناوال یک نوع اغراق در آیین‌های اجتماعی دیده می‌شود و در گروتسک نیز اغراق در بدن شخص و کاراکتر، ما نیز سعی کردیم علاوه بر اینکه در آیین یا مناسبات‌های اجتماعی یک اغراق یا در هم آمیزی یا وارونگی وجود دارد در ویژگی‌های بدنی کاراکترها نیز این امر دیده شود مثلاً می‌بینیم که شکم رئیس بنگاه قتل یک فانتزی و اغراقی دارد و زمانیکه به سمت شخصیت‌های دیگر می‌رویم نیز این رفت و برگشت بین امر واقع و فضای فانتزی دیده می‌شود.

در نمایش ما شاهد یک سری فرم‌ها و ریتم بصری، کلامی و موسیقایی هستیم که در طراحی صحنه و میزانشن‌ها نیز دیده می‌شود. لطفاً از اهمیت این فرم و ریتم در تاثیر کم‌دی بگویید.

در این مسئله پیرو شعر و فرمالیست‌هایی مثل باختین و شکولوفسکی هستیم که نظر به‌ای با این عنوان دارند «هر اثری باید اتفاقی در جهان باشد» بنابراین ما از همان ابتدا مثل هر کار دیگری که در تئاتر تی‌توگ انجام می‌دهیم هدفمان خلق یک فضای تازه بود و به هیچ عنوان نمی‌خواستیم اثر یک کم‌دی تکراری باشد بلکه به دنبال رسیدن به یک فرم تازه بودیم. بنابراین وقتی شما این کار را می‌کنید چالش‌های روبروی شما قرار می‌گیرد در بسیاری از مواقع کم‌دی‌ها مبتنی بر کلام هستند در حالی که در خشان‌ترین کم‌دی‌ها، کم‌دی‌های موقعیت هستند که غریبه‌ها آن را سیت کام می‌نامند و نمونه آن را در آثار چارلی چاپلین می‌بینیم که چقدر درخشان و به یاد ماندنی هستند. از آنجایی که من اعتقاد دارم تئاتر صرفاً برای شنیدن یا صرفاً برای دیدن نیست بلکه برای درگیر کردن تمام حواس انسان است چنانچه می‌بینید که در این نمایش امر خوردن هم وجود دارد و چشایی مخاطب را نیز درگیر می‌کند و از آنجایی که در آثار دیگر من نیز فرم اهمیت ویژه‌ای داشته در اینجا هم برای رسیدن نه به زور، بلکه برای رسیدن به یک هارمونی که خط سیر کارهای من می‌تواند باشد تلاش این بود که با بازیگرها به زیبایی شناسی روی صحنه برسیم که حتی امر شر را نیز روی صحنه زیبا نشان دهیم و لازمه این

نمی‌دهد. به نظر من باید یک شورای متخصص از افراد نخبه وجود داشته باشد تا کارهای درجه یک به لحاظ کیفی را رصد کنند و امکان روی صحنه ماندن آنها را فراهم کنند که متأسفانه وجود ندارد و بیشتر یک ایده آل است. گروه‌ها خودشان تلاش می‌کنند و تا حدی می‌توانند به این مسئله برسند. من پرونده یک سری از آثارم را که به لحاظ صحنه‌ای سنگین نیستند نمی‌بندم و همانطور که مکتب پس از سال‌ها ادامه خواهد داشت امیدوارم که همین اتفاق برای نمایش از نظر سیاسی بی‌ضرر هم بیافتد و ما باز هم به اجرای این اثر ادامه دهیم.

سخن پایانی

این برای اولین بار است که من به صورت دو اجرایی و همزمان با یک نمایش دیگر در یک سالن به اجرا می‌پردازم و متأسفانه این امر به هیچ عنوان خوب نیست. هرچند که تماشاخانه ایرانشهر یک پرستیژ خاصی دارد و کیفیتی برای خود قائل است و در سالن‌های خصوصی این امر بسیار بدتر است و این کیفیت کارها را پایین می‌آورد. شما تصور کنید که مگر سالن‌های ما چه میزان امکانات توری دارند که بخواهند همان امکانات محدود را نیز بین نمایش‌های مختلف که در یک سالن اجرا می‌شوند تقسیم کنند. یا اگر کاری دکور سنگین داشته باشید که اصلاً نتیجه فاجعه می‌شود. می‌بینم که در سالن‌های خصوصی ۵ اثر بدون وقفه زمانی و پشت هم در یک سالن اجرا می‌شوند و این باعث شده که تئاتر از یک کالای فرهنگی به یک کاسب‌کاری بازاری که قطعاً کیفیت آثار را پایین می‌آورد تبدیل شود. به نظر من یک اثر خوب باید به طور شاخص اجرا برود و تا وقتی که مخاطب دارد نیز اجرا برود و این مهم‌ترین کاریست که ما می‌توانیم برای رشد تئاترمان انجام بدهیم.

مسئله این است که شما بتوانید اثر را از حالت گفتار خارج کنید. در عین حال من می‌خواستم این نمایش از دیگر نمایش‌هایم دور باشد بنابراین تلاش کردیم تا کم‌کم به این فرمی که امروز می‌بینید برسیم. برخی از بازیگران که در آثار قبلی با من کار کرده‌اند یا زبان تصویری مرا می‌دانند مثل گاتا عابدی، یاشار نادری و فهیمه موسوی راحت‌تر به درک از آنچه می‌خواستیم رسیدند و بقیه بازیگران هم با هوش و تلاش به این امر رسیدند تا یک مجموعه همگون باشیم و می‌بینیم که اتابک نادری که سال‌هاست بازیگر تئاتر است و کارهای فرمالیستی کمتری بازی کرده در این نمایش چقدر خوب از عهده این فضاها برآمده است.

از لحاظ دوره‌های اجرایی با تئاترهایی که در خارج از کشور سال‌ها اجرا می‌شوند هنوز فاصله زیادی داریم در مورد این بخش از تئاتر ما بگویید.

واقعیتش این است که رپرتوار در تئاتر ما همچنان معنایی ندارد. چندین سال پیش آقای بهروز غریب‌پور در سالن عروسکی که کنار تالار حافظ به راه انداخته بود این کار را می‌کرد و رپرتواری از آثار عروسکی خود را به روی صحنه می‌برد. در طول اجراهای خارج از کشور با آثاری مواجه می‌شویم که به عنوان مثال ۷ سال روی صحنه است و لازمه این امر داشتن کمپانی است.

کمپانی به نوعی گروهی است که وسعت بیشتری دارد شاید گروه‌ها در سالن‌های خصوصی بتوانند اجرا را به روی صحنه ببرند و تداوم داشته باشند اما سیستماتیک نیست. به نظرم می‌آید دولت به غیر از مسائل نظارتی تا حدود زیادی اهمیتی به مسائل کیفی، ارائه آثار شاخص سالانه و حمایت ویژه از آنها و کمک به ادامه اجرایشان